

برای هیوم در نظری سلامتی بود سرد در روانت چه خلی قلی

قی است کسی مایر کما آملام فرضی شد که برایت نامه بزم اولاد  
ل نامه نوشنی باشم می از ایران که آدمم برایت نامه بخت کردم  
روس لیس دیگر در ایران بنسب تو بخود آیم نامه خرسی می و نوشنی ولین بلی خوب  
و بخر با شاد و فرسند هستند - وضع می فطرا اینها بر نسبت روز با مشول کارخانه و  
بجهدانگر گوسی و سخن میتم بوال اینها فوق اعلاه سرد است بجه مگویند زمستان سردی دارد  
بیشتری ابری باران و گاهی برف است و چند روز هم بزم خشتاد خوب بالا فرستادن است  
از ایران از بجز با نامه دارم که از تو در معلوم بدانم اینها بسیار زندگی سخت و ناراضه  
گفته شده خصوصاً بی برفی که در شبانه روز ۲۴ ساعت برف میبارد و گرانی و نبودن قلی  
از چیزهای دیگر ایام زمستان پر خانه و وسیله گرما ندارند چه جا سرد و ناچور است این  
است اوضاع ایران خوشبختانه بجز با معنی تا حال سلامتند همان باز قوت قلب من است  
نوا بر عزیزم قلی دلم برایت را کرده نمیدانم از بدیع <sup>آبایی</sup> و برف عزیزم چه خبر دارم اگر نامه دادی  
از قول من قلی سلام برسان و کو چو لوی برف عزیزم را از دور بزار و بزم منم فیما حالا  
دیگر یک خانم بزرگ شده نمیدانم دیگر بجز دارد بانه اگر بر فیزی از آنها دارم بزم نوشنی  
از وضع هم دراد عزیزم و قوت مفضل بشودی کشیدم خانه تو خردی ای ات اله که مبارک باشد  
آیا با هم دراد عزیز در یک خانه هستی یا اد جویست و آیا زن گرفته یا نه در هر صورت  
از قول من قلی قلی باد سلام برسان و بزرگ قربان بکنی ما بروم نوایر عزیزم برای  
می زود نامه بده و آدر قوت را بنویسی چون می این نامه را یاد در قدیمی فرستادم  
آدر جدیدت را بدارم از دور بزار بار قربان بروم و میبوسمت خفت

۱۳۶۷  
۱۳۶۸  
۱۳۶۹  
۱۳۷۰  
۱۳۷۱  
۱۳۷۲  
۱۳۷۳  
۱۳۷۴  
۱۳۷۵  
۱۳۷۶  
۱۳۷۷  
۱۳۷۸  
۱۳۷۹  
۱۳۸۰  
۱۳۸۱  
۱۳۸۲  
۱۳۸۳  
۱۳۸۴  
۱۳۸۵  
۱۳۸۶  
۱۳۸۷  
۱۳۸۸  
۱۳۸۹  
۱۳۹۰  
۱۳۹۱  
۱۳۹۲  
۱۳۹۳  
۱۳۹۴  
۱۳۹۵  
۱۳۹۶  
۱۳۹۷  
۱۳۹۸  
۱۳۹۹  
۱۴۰۰  
۱۴۰۱  
۱۴۰۲  
۱۴۰۳  
۱۴۰۴  
۱۴۰۵  
۱۴۰۶  
۱۴۰۷  
۱۴۰۸  
۱۴۰۹  
۱۴۱۰  
۱۴۱۱  
۱۴۱۲  
۱۴۱۳  
۱۴۱۴  
۱۴۱۵  
۱۴۱۶  
۱۴۱۷  
۱۴۱۸  
۱۴۱۹  
۱۴۲۰

۲۴ و ۲۵  
مار ۱۳۶۷

نخاله من عزیزم سلام. امیدوارم شاد و اوقات سلامت بگذرد  
براه نشید که استعدایر بر بران نام من درسم. جریل از کلا در آدری

لقدك بسمع است م ادر جان شن نشتم فرق خواهی شد

عندالم بقل صدقك رفته ابر و کسان بقل صدقك بقل ادری

در درازای این مایه "ماده" سعدی بکار گنج "مقول" که از  
 علم و دراز رسته ضمیمه مقول هستیم و یک ننگ شد سقن که  
 لتمام با لدراره کنیم که سن و بس با درازه که از دراز گرفتار کردیم  
 حیل بدین حال به سر برآید که این نایب نیز فند بسیم از این حداف دریم که  
 پس با بدین و با غایب می کشد . حال در وقت غذا که جدا و کل کرده و در  
 زبات صحت و وقت زهد و مارت و اول زودی با بس من و بس و کم آن  
 کرده اند . به دراز نوزم بسیم دارم و با نظر به حال هستیم . بس تمام می کشد  
 سیار پس را می کشند .

Additional message area

① Fold first at notches → ←

Do not use tape or stickers to seal - No enclosures permitted

K8

CS

UN